

جهانی شدن، نابرابری درآمدی و فقر، نمونه موردی: کلانشهر اراک

نجمه سادات مصطفوی^{۱*}، غلامرضا حقیقت نائینی^۲

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه هنر تهران و عضو هیات علمی گروه پژوهشی توسعه کالبدی شهر، جهاد دانشگاهی استان مرکزی

۲- عضو هیات علمی گروه آموزشی شهرسازی، دانشگاه هنر تهران
mostafavi@acecr.ac.ir

چکیده

کاهش فقر به عنوان نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره و بزرگترین چالش جهانی است. فقر حاصل نابرابری شدید اجتماعی است. برخی از صاحب نظران با توجه به آثار مثبت جهانی شدن، آزادسازی تجاری و ورود به بازارهای جهانی را یک ضرورت دانسته و عدم ورود به آن را غیرقابل توجیه می دانند. در مقابل نظریه پردازانی هستند که آثار منفی جهانی شدن را بیشتر از آثار مثبت آن دانسته و این پدیده را از عوامل نابرابری بین ملت ها و مناطق ارزیابی می کنند. مطالعات اخیر در مورد رابطه بین نابرابری و رشد، پیامدهای مهمی در مورد نقش جهانی شدن در روابط رشد، توزیع و فقر را نشان می دهد. در این تحقیق به بررسی وضعیت نابرابری درآمدی، کیفیت تغذیه و ارتباط آن با فقر پرداخته شده است. در ادامه شرایط کنونی و ارتباط آن با جهانی شدن مورد تحلیل قرار می گیرد. بدین ترتیب تعداد ۴۱۲ نمونه به تناسب جمعیت هر منطقه از شهر اراک انتخاب شد. از نرم افزار GIS به منظور توزیع پراکنده نمونه ها در سطح مناطق استفاده گردید. از نرم افزار GIS برای تحلیل فضایی و از نرم افزار SPSS برای تحلیل آماری در این مقاله استفاده شد. بررسی های میدانی انجام شده نشان دهنده سطح درآمدی پایین شهر است. بررسی وضعیت رضایت از زندگی بیانگر پایین بودن میانگین رضایت از زندگی در سطح شهر تا کمتر از میانه است و آن را در سطح نسبتاً پایینی قرار می دهد. منطقه ۳ به سبب وجود بافت های روستایی و سطح وسیع بافت ناکارآمد شهری در وضعیت نامطلوب تری در زمینه کیفیت تغذیه قرار دارد. با نتایج بدست آمده از ماتریس همبستگی می توان گفت بین میانگین درآمدی، میانگین هزینه، رضایت از زندگی و کیفیت تغذیه رابطه وجود دارد. از سویی دیگر نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی کرامر نشان می دهد که با افزایش سطح تحصیلات، سطح درآمدی، سطح هزینه ها، مالکیت خودرو و نیز رضایت از زندگی افزایش می یابد. حال آنکه افزایش تحصیلات، کیفیت تغذیه و مالکیت مسکن را افزایش نمی دهد که می تواند بیانگر این باشد که افراد با تحصیلات بالاتر هزینه خود را در بخش های دیگری به جز تغذیه (خرید خودرو) متمرکز ساخته اند. بررسی فرایند جهانی شدن و تاثیر آن بر فاکتورهای مختلفی چون نابرابری درآمدی و فقر مستلزم وجود آمارهای طولی است که در ایران و به ویژه اراک فقدان آن به شدت احساس می شود. از این رو نمی توان گفت افزایش نابرابری درآمدی کنونی شهر اراک متأثر از فرایند جهانی شدن است یا نه. در مجموع بررسی های انجام شده در خصوص شهر اراک بیانگر آن است که به سبب عدم برخورداری از ساختار قانونی و نظارتی مناسب، سیاست های اتخاذ شده برای آزادسازی اقتصاد و به ویژه خصوصی سازی صنایع تا حدود زیادی با شکست روبرو شده است. این عامل بیش از جهانی شدن بر کاهش نرخ اشتغال، افزایش نرخ بیکاری، اعتراضات خیابانی، کاهش سطح درآمدی و هزینه ای خانوار موثر بوده است.

واژگان کلیدی: نابرابری درآمدی، فقر، جهانی شدن، آزادسازی اقتصاد، اراک

۱- مقدمه

فقر بزرگترین چالش جهان است و در حال حاضر نابرابری در توزیع ثروت جهانی بسیار فاحش می باشد. حدود ۸۰ درصد از جمعیت دنیا با کمتر از ۱۰ دلار در روز زندگی می کنند و تنها ۵ درصد درآمد جهانی به ۴۰ درصد فقیرترین جمعیت جهان اختصاص یافته است؛ این در حالی است که ۷۵ درصد از درآمد جهانی متعلق به ۲۰ درصد ثروتمندترین جمعیت جهان می باشد. تعدادی از مطالعات انجام شده، جهانی شدن را به فقر پیوند می زند (Rahim et al, 2014). به تازگی اثرات جهانی شدن بر نابرابری درآمد، به مسئله ای مهم تبدیل شده و توجه بسیاری از محققان را به خود را جلب کرده است. واقعیت این است که نابرابری درآمدی و فقر نسبی در بیشتر کشورها پس از دهه ۱۹۸۰ تشدید شده است. در کشورهای توسعه یافته، نگرانی در مورد اثرات منفی تجارت بین المللی و حرکت سرمایه در توزیع درآمد از دهه ۱۹۸۰ شروع شد و شکاف دستمزد افزایش یافت. اثرات جهانی شدن بر نابرابری می تواند قابل توجه باشد و می تواند نابرابری درآمدی را شدت ببخشد. سیاست های اقتصادی نئولیبرالی مانند کاهش انعطاف پذیری بازار کار و رفاه اجتماعی همراه با جهانی شدن، موجب افزایش نابرابری درآمد شده است. نابرابری درآمد، همراه با جهانی شدن و رکود اقتصادی در بیشتر کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین پس از دهه ۱۹۸۰ جدی تر شد. کشورهای در حال توسعه از فقر مداوم و افزایش نابرابری همراه با جهانی شدن رنج می برند (Lee, 2014). براساس گزارش های سالانه ارائه شده از سوی موسسه اقتصادی KOF، ایران از لحاظ جهانی شدن در بین کشورهای دنیا در رده های بسیار پایین قرار گرفته است و با این شاخص ایران رتبه ۱۵۶ در سال ۲۰۱۴ کسب کرده است (گل خندان، ۱۳۹۵).

برخی از صاحب نظران با توجه به آثار مثبت جهانی شدن، آزادسازی تجاری و ورود به بازارهای جهانی را یک ضرورت دانسته و عدم ورود به آن را غیرقابل توجیه می دانند. در مقابل نظریه پردازانی هستند که آثار منفی جهانی شدن را بیشتر از آثار مثبت آن دانسته و این پدیده را از عوامل نابرابری بین ملت ها و مناطق ارزیابی می کنند. در نهایت با توجه به نظریه های موافقان و مخالفان در باب جهانی شدن، عقیده فالك قابل اشاره است که می تواند به عنوان برآیند نظرات جهانی شدن باشد که جهانی شدن به عنوان یک فرایند تاریخی که در متن نظام بین المللی شکل می گیرد، نشانگر نابرابری های فاحش در زمینه های گوناگون است، و از این رو مزایای مربوط به رشد را در بخش ها و جوامعی که از قبل نیز از آن بهره مند بوده اند، متمرکز و وضعیت نسبی و مطلق آنهایی که از قبل نیز از آن بی بهره بوده اند بدتر می کند (آق ارکاکلی، یحیی زاده فر و نوبخت، ۱۳۹۵). براساس نظر فالك، شاید بتوان ایران را در زمره جوامعی دانست که به سبب عدم برخورداری از برخی مزایا در فرایند جهانی شدن، وضعیت نسبی آن در حال بدتر شدن است و در این میان شهرهایی چون اراک از وضعیت نابسامان تری برخوردار است. در این تحقیق به بررسی وضعیت نابرابری درآمدی، کیفیت تغذیه و ارتباط آن با رضایت از زندگی پرداخته می شود. در ادامه شرایط کنونی و ارتباط آن با جهانی شدن مورد تحلیل قرار می گیرد.

۲- ادبیات تحقیق

۱-۲- جهانی شدن

جهانی شدن پدیده ای نو ظهور نبوده، چنانچه لکنر آغاز جهانی شدن را از قرن هفدهم میلادی می داند که با تحول مهمی در عرصه جهانی همراه بوده است. به عبارتی دیگر اگرچه جهانی شدن از سالیان پیش، روند رو به رشد خود را در زندگی انسان آغاز کرده اما به دنبال صنعتی شدن جهان و پس از آن گسترش ارتباطات و فن آوری های همراه آن، سرعتی چشمگیر پیدا کرده است. در هر حال جهانی شدن یکی از پدیده های مهم دنیای معاصر است که با تعابیری چون فشرده‌گی، یکپارچگی و همگون سازی جهان همراه می گردد.

تعاریف متعددی برای جهانی شدن آورده شده است، هاروی آن را فشرده‌گی زمان و مکان دانسته و گیدنز آن را فرایند به هم وابستگی روزافزون زمان تعریف می کند. همچنان که مخالفان و موافقان متعددی را می توان برای آن بر شمرد که هر یک براساس مزایا و معایب متصور برای آن به این موضوع پرداخته اند؛ نظریه پردازان در این عرصه از ابعاد مختلفی آن را تحلیل کرده اند. برای مثال ساندرکوک بعد فرهنگی و اثرات اجتماعی (البرو، ۱۳۸۱) جهانی شدن را مدنظر قرار داده و با نگاهی مثبت به پدیده چندفرهنگی شدن ملت‌ها، آن را فرصتی تلقی می کند که موقعیت‌های جدید با خود به همراه دارد (یانگ، ۱۳۹۲). حال آن که فانشتاین به نابرابری

های در شهر ناحیه های جهانی اشاره می کند و می کوشد تا آثار اجتماعی - اقتصادی سوئی که این نابرابری ها بر شهروندان فرودست جامعه، مهاجران و گروه های قومی و نژادی در اقلیت می گذارد را شرح دهد (Fainstein, 2001). از سویی دیگر اسکات با اشاره به درهم تنیدگی حوزه های اقتصاد و فرهنگ؛ معتقد است جهانی شدن بالقوه دارای دو چهره می باشد که یک روی آن تاریک و رو به قهقراست اما روی دیگرش رو به ترقی است. به عقیده وی جهانی شدن تحت لوای نئولیبرالیسم بدون شک به نابرابریهای اجتماعی شدید و تنشهای درون شهر - منطقه ها خواهد انجامید؛ در مقابل بر این باور است که برخی اشکال سیاستهای دموکراتیک اجتماعی تجدید سازمان یافته، قادرند راه های عملی، عادلانه و قانع کننده ای ارائه کنند (اسکات، ۱۳۸۴).

بسیاری از پژوهش ها، تاثیر جهانی شدن بر افزایش نابرابری های درون کشورها و میان کشورها را تصدیق می کنند. نتیجه این پژوهش ها بیانگر آن است که جهانی شدن بر افزایش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در سطح جهان تاثیرگذار بوده است. به استناد "گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۶۰ میلادی، سهم درآمد ۲۰ درصد ثروتمندترین مردمان در جهان از درآمد جهانی، نزدیک به ۳۰ برابر بیشتر از سهم درآمد ۲۰ درصد فقیرترین مردمان بوده است. این نسبت در سه دهه بعد همواره رو به افزایش بوده به گونه ای که در ۱۹۹۰ میلادی به ۶۰ برابر رسیده است" (ضرابی و مغانی رحیمی، ۱۳۸۶).

در این میان شهرها نیز از روند جهانی شدن در دهه های اخیر بی تاثیر نبوده اند و روند شهرنشینی و ویژگی های آنها نیز تحت شعاع این تاثیرات قرار گرفته است. فرایند جهانی شدن همچنان که در مقیاس کلان بر اقتصاد، فرهنگ، سیاست و محیط زیست تاثیرگذار است؛ تحولاتی را نیز در اقتصاد، روابط انسانی، جریانات فرهنگی و آگاهی های فردی در شهرها رقم می زند که شدت و ضعف آنها متناسب با میزان پیوستگی شهرها با جریان جهانی شدن، متفاوت است (پوراحمد، قرخلو و موسوی، ۱۳۹۰).

۲-۲- نابرابری درآمدی

مسئله توزیع درآمد نیز ابعاد گوناگونی دارد، اما آنچه به طور مستقیم مربوط به عدالت و رفاه اجتماعی می شود، توزیع درآمد بین افراد و خانوارها یا توزیع درآمد فردی است که در بسیاری از کشورها به عنوان یکی از مهمترین مسائل سیاست عمومی مطرح می شود (پرهیزکاری، مظفری و پرهیزکاری، ۱۳۹۳). نظریات متعدد و متفاوتی در خصوص نابرابری درآمدی و رابطه آن با پارامترهای دیگری چون رشد اقتصادی وجود دارد. برخی بر این باورند که نابرابری درآمدی سبب محدودیت دسترسی فقرا به منابع می شود و از این به دنبال حمایت از سیاست هایی هستند که منجر به بازتوزیع درآمد میان ثروتمندان و فقرا می گردد. بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی از دغدغه های اصلی اقتصاددانان و برنامه ریزان سیاسی است. سالنامه های آماری گواهی بر شکاف درآمدی قابل توجهی بین استان های مختلف ایران می باشند. وجود نابرابری درآمدی بین مناطق سبب معضلاتی مانند افزایش نرخ مهاجرت افراد متخصص یا صاحبان ثروت از مناطق محروم به مناطق برخوردار می گردد. این موضوع نه تنها سبب ازدحام جمعیت، بروز مشکلات فرهنگی و در مواردی بی نظمی در این مناطق می گردد، بلکه سبب افزایش شکاف درآمدی بین مناطق خواهد شد (خالصی & پیرایی، ۱۳۹۵).

متداول ترین شاخص نابرابری درآمد ضریب جینی است. از نظر آماری، ضریب جینی عبارت است از نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه. این ضریب بین صفر و یک متغیر است و هر چه اعداد به دست آمده به صفر نزدیکتر باشند، یعنی توزیع ثروت عادلانه تر و هر چه به یک نزدیکتر باشند، یعنی ثروت در دست اقشار ثروتمند محدود شده است و توزیع درآمد به سمت نابرابری بیشتر سوق پیدا میکند. به عبارت دیگر، ضریب جینی کوچک نشان می دهد که تمام افراد جامعه تقریباً از سطح درآمد یا ثروت یکسانی برخوردار هستند، در حالی که ضریب یک نشان میدهد یک نفر تمام ثروت را در اختیار دارد و سهم مابقی از ثروت تقریباً صفر است (جبری خسروشاهی، محمودوند ناهیدی، & نوروزی، ۱۳۹۱). ضریب جینی ایران در سال ۱۳۹۵ معال ۰,۴۰۴۶ بود.

البته معیارهای سنتی نابرابری درآمدی مانند ضریب جینی بینش محدودی از نابرابری ارائه می دهند؛ چراکه این معیارها برای نابرابری های سلامت، مرگ و میر، معیارهای زندگی، تغذیه و وضعیت اجتماعی به تفکیک گروههای درآمدی جامعه توضیحی ندارند

(اکبری، ۱۳۹۳). اصطلاح نابرابری اقتصادی- اجتماعی در این پژوهش استفاده شده تا نابرابری در سطح گسترده تری یعنی نابرابری با توجه به درآمد و کیفیت تغذیه را نشان دهد.

در این که نابرابری بر موضوعاتی چون شکاف بین ثروتمندان و فقرا و با تفاوت بین افراد برخوردار و محروم جامعه متمرکز است، اختلاف نظری نیست. از سویی دیگر نابرابری اجتماعی که از وجود تفاوت‌ها میان افراد و جایگاه‌های تعریف شده آنها ایجاد می‌شود، منجر به شکل‌گیری تفاوت در نحوه زندگی افراد به ویژه بهره‌مندی از حقوق، فرصت‌ها و امتیازات می‌گردد. حال آن که نابرابری ناشی از استعداد و تلاش قابل پذیرش بوده ولی در نابرابری‌هایی که ناشی از دو مورد مذکور نیست، اختلاف نظر جدی وجود دارد. از این رو مباحث به سمت میزان قابل تحمل نابرابری و شیوه‌های کاهش آن سوق داده می‌شوند. فقر حاصل نابرابری شدید اجتماعی است (زنوز بهروز، ۱۳۸۴).

۲-۳- فقر

فقر یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری و نشانه بارز توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت روانی را در اقشار جامعه به خطر می‌اندازد. کاهش فقر به عنوان نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره و بزرگترین چالش جهانی است (فطرس و قدسی، ۱۳۹۳).

سازمان ملل متحد نرخ رشد سالانه ۹ درصد در تولید ناخالص ملی را به عنوان شاخص توسعه کشورها اعلام داشت؛ اما با این وجود تغییر موضعی بنیادین در گزارشات علمی آن از ابتدای دهه ۱۹۵۰ در خصوص شاخص‌های توسعه و اضافه نمودن شاخص‌های اجتماعی به این مفهوم دیده می‌شود (اکبری، ۱۳۸۰). به عبارتی دیگر توسعه تا پیش از این معنای صرفاً اقتصادی داشته و کشورهای توسعه یافته تلقی می‌شدند که اقتصاد ملی آنها دارای نرخ رشد ناخالص بالایی بود^۱. اما از زمان ظهور اندیشه توسعه به عنوان یک مسئله جهانی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، همواره یکی از اهداف توسعه، دستیابی به استانداردهای بهتر زندگی و افزایش رفاه اجتماعی دانسته می‌شده است (مومنی، ۱۳۸۰) (United Nations, 2015). در حقیقت شکست برنامه‌ها و تجارب علمی با تکیه صرف بر مسائل اقتصادی، اندیشمندان و دولتمردان را وادار نمود تا به جنبه‌های اجتماعی توسعه نیز توجه نمایند. امروزه هیچ نظریه پرداز توسعه‌ای بر یک بعد بودن توسعه تاکید نداشته و وجوه چندگانه‌ای اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، سیاسی و ... را برای آن قائل است (اکبری، ۱۳۸۰). در پاسخ به چنین وضعیتی و به منظور جلوگیری از توسعه فقر بود که نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، اقدامات نمادین و عملی را در پیش گرفتند. برای مثال سازمان ملل، دهه ۲۰۰۶-۱۹۹۷ را دهه ریشه کنی فقر نامید. بانک جهانی برای تحقق دنیایی رها از فقر، جهانیان را به اقدام موثر و برخورداری عمومی از بهداشت، مسکن و آموزش دعوت نمود. در همین راستا در سال ۱۹۹۶، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی هدف گذاری کرد که از طریق مشارکت جهانی تا سال ۲۰۱۵، نیمی از افرادی که فقیر هستند، از شرایط فقر شدید خارج شوند^۲ (ارضوم چیلر، ۱۳۸۴).

۱- پروفیسور دادلی سیزر درباره معنای توسعه اظهار داشت؛ سوالاتی که درباره توسعه یک کشور می‌توان کرد عبارتند از اینکه فقر چه تغییری کرده است، بیکاری چه تغییری کرده است، نابرابری چه تغییری کرده است، و چنانچه کلیه سه پدیده فوق در طی یک دوره کم شده باشد، بدون شک این دوره برای کشور مورد نظر یک دوره توسعه بوده است. اگر بر یک یا دو مورد از این مسائل افزوده گردد، بسیار عجیب خواهد بود که نتیجه را توسعه بنامیم حتی اگر درآمد سرانه دو برابر شده باشد.

۲- به استناد آمار بانک جهانی، در دهه‌های گذشته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در کاهش فقر در جهان اتفاق افتاده است. دستیابی به اولین هدف هزاره توسعه (کاهش ۵۰ درصدی فقر از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵) پنج سال زودتر از برنامه در سال ۲۰۱۰ اگرچه پیشرفت در کاهش فقر بود اما شمار بالای افراد فقیر در سطح جهان، وضعیتی غیرقابل قبول است و پیش بینی رشد کاهش فقر جهانی برای دست‌یابی به هدف پایان دادن به فقر در سال ۲۰۳۰ از سرعت کافی برخوردار نمی‌باشد. با توجه به برآوردهای اخیر بانک جهانی، در سال ۲۰۱۳، ۱۰/۷ درصد از جمعیت جهان (۷۶۷ میلیون نفر) درآمد روزانه کمتر از ۱/۹۰ دلار آمریکا داشته‌اند که در مقایسه با سال ۲۰۱۲ که ۱۲/۴ درصد (۸۸۱ میلیون نفر) بوده، کاهش یافته است. لازم به ذکر است این رقم در سال ۱۹۹۰، حدود ۳۵ درصد (۱/۸۵ بیلیون نفر) می‌باشد. در حالی که نرخ فقر در تمامی مناطق کاهش یافته اما پیشرفتی نامتوازن داشته است. اکثریت قریب به اتفاق فقر جهانی در مناطق روستایی است که تحصیلات پایین، عمدتاً مشغول به کار در بخش کشاورزی و بیش از نیمی از جمعیت شاغل زیر ۱۸ سال سن، از ویژگی‌های بارز آن اجتماعات می‌باشد (worldbank, 2016).

در مجموع فقر یکی از پدیده‌های نامطلوب اجتماعی و اقتصادی است که برنامه ریزان و سیاستگذاران همواره در پی کاهش و یا حذف آن اقدام نموده‌اند. موفقیت برنامه‌های فقرزدایی به همان اندازه که به سیاست‌ها و چگونگی اجرای برنامه‌ها وابسته است، به شناسایی دقیق پدیده فقر و معرف‌های آن نیز بستگی دارد (خلج و یوسفی، ۱۳۹۳). به عبارتی دیگر پاسخ به سوالاتی چون آیا فقر بین فقرا کاهش یافته است یا افزایش؟ آیا شکاف فقر بهبود یافته است، آیا توزیع درآمد، عادلانه‌تر شده و در جهت بهبود وضعیت رفاهی مردم بوده است؟ سیاست‌های اقتصادی دولت در روند فقرزدایی چه تاثیری داشته است؟ چه عاملی بیشترین تاثیر را بر روند فقر دارد؟ همواره دغدغه تحلیل‌گران اجتماعی و اقتصادی و نیز سیاستگذاران و برنامه ریزان بوده است (شرف‌آزاده و انتظار، ۱۳۹۰). به طور کلی پدیده فقر از سالهای بسیار دور وجود داشته و کشورهای متعددی را درگیر ساخته است. بنابراین، کاهش و یا ریشه کن کردن فقر به عنوان یک مسئله مهم در بسیاری از کشورها از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دنبال می‌شود. به منظور درک تهدیداتی که مسئله فقر با آن روبروست، شناسایی ابعاد و روند آن ضروری به نظر می‌رسد (Chakravarty & Bourguignon, 2003). در همین راستا، از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، کمیسیون‌های برجسته جهانی که برای مطالعه دغدغه‌های بین‌المللی ایجاد شدند، موضوعات اصلی اغلب کنفرانس‌های جهانی را شکل دادند. از ویژگی‌های این کمیسیون‌های بین‌المللی، تلاش برای هم‌پیوندی آرمان‌های انسان بود. توسعه پایدار با تاکید دوگانه خود بر تازه‌ترین نگرانی‌ها - توسعه و محیط زیست - از جمله این تلاش‌ها می‌باشد (مصطفوی، غربی و سابوت، ۱۳۹۳). یکپارچه سازی محیط زیست و توسعه به منظور پیشگیری از تشدید فقر، عدم سلامت، شکاف روبه‌فرونی میان کشورهای فقیر و غنی و زوال بی‌وقفه اکوسیستم‌ها بوده است. همچنین تعاریف مهم در چارچوب اهداف توسعه هزاره با تاکید جدی بر اصول پایداری و امحای فقر امروزه در اکثر خط مشی‌ها و ساز و کارهای حقوقی بین‌المللی مربوط به توسعه پایدار همچون اجلاس جهانی سازمان ملل متحد در مورد توسعه پایدار منعکس گردیده‌اند (رضانی قوام آبادی و شفیق فرد، ۱۳۹۵).

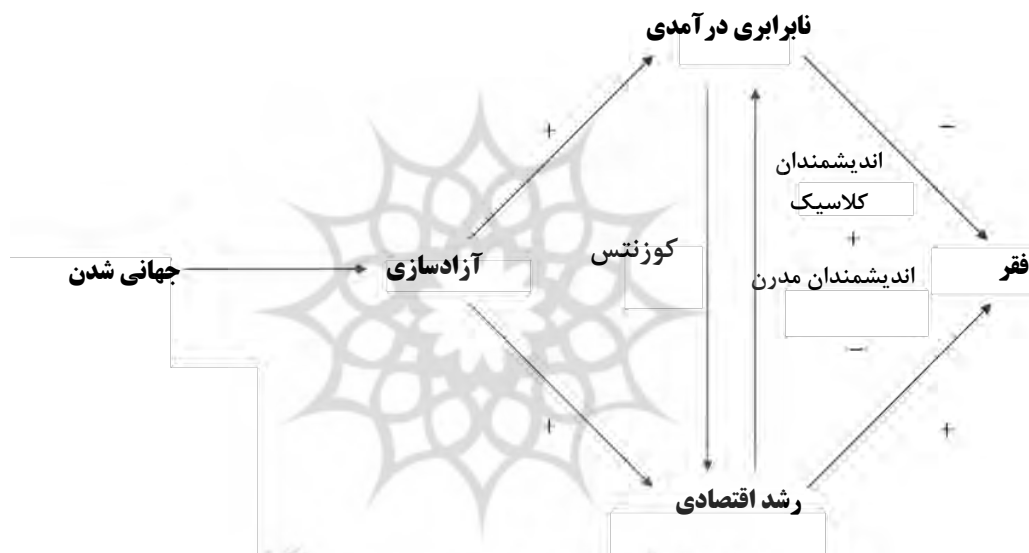
۲-۴- جهانی شدن، نابرابری درآمدی و فقر

چندین توضیح نظری درباره افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه همراه با جهانی شدن ارائه شده است. کشورهای در حال توسعه پس از دهه ۱۹۸۰، همزمان با شروع فرایند جهانی شدن کشورها، با رقابت بین‌المللی با دیگر کشورها مواجه شد. این روند نتایجی در بر داشت که توسط نظریه تجارت بین‌المللی ارائه نشده بود. به عبارتی دیگر رشد تجارت بین‌الملل و برونسپاری، موجب می‌شود که کارگران ماهر در کشورهای در حال توسعه کالاهایی را تولید کنند که توسط کارگران نیمه ماهر در کشورهای توسعه یافته تولید می‌شد و این وضعیت آنان را بدتر می‌کند. از سویی دیگر منجر به افزایش نابرابری درآمد در هر دو کشور شود. افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و واردات کالاهای سرمایه‌ای نیز در کشورهای در حال توسعه نتایج مشابهی را در بر دارد، زیرا با تولید مرتبط بوده و نیازمند نیروی ماهر است. دولت در کشورهای در حال توسعه اساساً از صنایع آسیب‌پذیر با کارگران ناماهر پشتیبانی می‌کند؛ از این رو لیبرال سازی می‌تواند اثرات منفی بر کارگران فقیر داشته باشد. جهانی سازی مالی و جنبش‌های سرمایه‌ای بین‌المللی می‌تواند منافع توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه را نیز تحت تاثیر قرار دهد. سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه موجب بی‌ثباتی مالی می‌شود. نابرابری درآمد و فقر معمولاً پس از بحران‌های مالی تشدید می‌شوند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با افزایش نابرابری از طریق خروج سود، سرکوب کارگران و دوگانگی صنایع ارتباط دارد. تلاش‌های کشورهای در حال توسعه برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که عموماً "رقابت برای پایین رفتن" نامیده می‌شود؛ به بدتر شدن شرایط طبقه کارگر منجر می‌شود. علاوه بر این کاهش هزینه‌های مالی از طریق کاهش هزینه‌های آموزش، بهداشت عمومی و ... وضعیت فقرا را بدتر نموده و منجر به افزایش نابرابری دستمزد می‌شود. تمام این استدلال‌ها که در تحقیقات متفاوت بدان رسیده‌اند، نشان می‌دهد که جهانی شدن می‌تواند نابرابری درآمد را در کشورهای در حال توسعه را افزایش دهد.

در بررسی تاثیرات جهانی شدن بر فقر، بایستی اثرات جهانی شدن بر رشد، نابرابری و تاثیر نابرابری بر رشد را درک کرد. مطالعات اخیر در مورد رابطه بین نابرابری و رشد، پیامدهای مهمی در مورد نقش جهانی شدن در روابط رشد، توزیع و فقر را نشان می‌دهد. در حالی که کوزنتس رابطه شکل معکوس U را بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد تایید می‌کند، تحقیقات بسیاری تاثیرات نابرابری بر رشد را روشن می‌سازند. آنها بر این تاکید دارند که توزیع نابرابر درآمد می‌تواند از طرق متعدد به رشد اقتصادی

آسیب برساند. به عبارتی دیگر در نتیجه نابرابری بالای درآمد ناشی از موقعیت اقتصاد سیاسی، بحران‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی به وقوع می‌پیوندد و از این طریق باعث کاهش سرمایه‌گذاری و رشد می‌گردد. مطالعات انجام شده براساس دیدگاه نئوکینزی نشان می‌دهند که توزیع نابرابر ثروت، رشد اقتصادی را از بین می‌برد؛ زیرا فقرا نمی‌توانند آموزش کافی برای فرزندان را فراهم کنند؛ به عبارتی دیگر نابرابری موجب بازتولید فقر شود. نابرابری درآمدی می‌تواند با بی‌ثباتی اقتصاد کلان و محدود کردن ظرفیت دولت برای مدیریت اقتصاد، برای رشد اقتصادی مضر باشد. از این رو نهایتاً نابرابری ثروت و قدرت را برای تعداد کمی از نخبگان به ارمغان می‌آورد. اگر نابرابری به طور قابل ملاحظه‌ای مانع رشد اقتصادی شود، نه تنها فقر را به طور مستقیم افزایش می‌دهد، بلکه آن را به طور غیرمستقیم تشویق می‌کند. در این راستا جهانی شدن می‌تواند اقرا ت پیچیده‌ای بر رابطه بین نابرابری، رشد و فقر داشته باشد (Lee, 2014).

به طور کلی دو مکتب فکری در این باره وجود دارد؛ خوشبینان که جهانی شدن را به عنوان راه حل فقر و نابرابری و بدبینانی که جهانی شدن را به عنوان علت فقر و نابرابری می‌دانند. برای مثال تحقیقات صندوق بین‌المللی پول بر این باور است که جهانی شدن درآمد و استانداردهای زندگی را در بسیاری از نقاط جهان تقویت کرده است. بانک جهانی نیز دیدگاهی مشابهی در خصوص جهانی شدن دارد. از سویی دیگر نهادهای دولتی و غیردولتی و بسیاری از محققان بر این باور هستند که مردم فقیر نمی‌توانند از مزایای جهانی شدن بهره‌برند (Rahim et al, 2014).



شکل ۱- رابطه بین جهانی شدن، آزادسازی، نابرابری درآمدی، رشد اقتصادی و فقر (Nissanke & Thorbecke, 2010)

۳- پیشینه تحقیق

همانطور که پیش از این نیز گفته شد دو دسته دیدگاه در خصوص جهانی شدن و اثرات آن وجود دارد؛ در این راستا پیرامون تاثیر جهانی شدن بر فقر نیز این دو دیدگاه حاکم است.

۳-۱- جهانی شدن موجب کاهش نابرابری و فقر می‌شود.

درمر در بررسی اثرات جهانی شدن بر رشد اقتصادی، با بررسی ۱۲۳ کشور در حال توسعه، اذعان می‌دارد که جهانی شدن در بلندمدت بر کاهش فقر موثر خواهد بود.

پراد و همکارانش با بررسی جهانی شدن مالی و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی، تایید می‌کنند که در صورت ترکیب سیاست‌های مناسب اقتصاد کلان و دولت‌های لایق، جهانی شدن مالی منجر به رشد مناسب اقتصادی می‌شود.

اما با بررسی رابطه سرمایه گذاری خارجی و نیروی کار در کشورهای در حال توسعه، اثبات می کند که سرمایه گذاری خارجی در کوتاه مدت بر سطح دستمزدها اثری مثبت دارد. کلاینز و همکاران با مطالعه اثرات جهانی شدن بر ساختار مالی در کشورهای در حال توسعه و با توسعه یافته نشان می دهد که در صورت وجود دولت کارآمد، جهانی شدن باعث بهبود و کاهش بحران مالی در کشورها خواهد شد. حسن زاده و فوز مسلمیان با ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر در کشورهای در حال توسعه به این نتیجه رسیده اند که جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند منافی در جهت کاهش فقر در بلند مدت داشته باشد اما در کوتاه مدت پیشنهاد می شود که از سیاست های حمایتی توسط دولت برای خنثی کردن اثرات سرمایه گذاری های خارجی در جهت کاهش فقر استفاده شود (حسن زاده و فوز مسلمیان، ۱۳۸۹).

۳-۲- جهانی شدن به افزایش نابرابری و فقر دامن می زند.

نتایج بررسی دورن و همکارانش در رابطه بین جهانی شدن و نابرابری درآمدی ۱۴۰ کشور نتایج قبلی را تایید می کند که نابرابری درآمد و جهانی شدن در بین کشورها رابطه مثبت دارند. این رابطه مثبت عمدتاً به وسیله باز بودن صادرات، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و جهانی شدن اجتماعی محقق می گردد. رابطه مثبت در تمامی نمونه کشورها از جمله بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه وجود دارد. در کشورهای با اقتصاد پیشرفته، نتایج اشاره به مثبت بودن رابطه جهانی شدن و نابرابری درآمد ندارد. به طور کلی رابطه خطی بین جهانی شدن و نابرابری درآمدی وجود ندارد و عوامل متعددی بر نابرابری درآمدی موثر است (Dorn, Fuest, & Potrafke, 2017).

هانسون در تحقیق اثرات جهانی شدن بر درآمد نیروی کار و فقر، استدلال می کند که درآمد نیروی کار در مناطقی که به کشور آمریکا نزدیکتر هستند، افزایش بیشتری در مقایسه با نقاط دورتر داشته است (Hanson, 2005). دمورتال با بررسی امکان کاهش فقر جهانی معتقد است رشد اقتصادی به تنهایی نمی تواند بر کاهش سطح فقر موثر باشد و رشد اقتصادی می بایست در جهت مبارزه با فقر باشد (Vandemoortele, 2002). بانک جهانی در تحقیقی با عنوان فقر در عصر جهانی شدن با بررسی وضعیت کشورهای در حال توسعه تایید می کند که جهانی شدن تقاضا برای نیروی کار کشورهای بسیار فقیر و نیز کشورهای با درآمد متوسط را افزایش نمی دهد (Salvatore, 2012). برگ و نیلسون در روش FE، جهانی شدن و زیر شاخص های آن باعث افزایش نابرابری درآمد می شود و در روش GMM، تنها شاخص جهانی شدن سیاسی اثر منفی روی نابرابری درآمد دارد (Bergh & Nilsson, 2010). دیوید افزایش بازبودن تجاری به کاهش نابرابری درآمد منجر، اما افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی باعث گسترش نابرابری درآمد می شود (David, 2011).

عطیف و همکارانش در تحقیق خود پیرامون ۶۸ کشور در حال توسعه اثبات کردند که در تمام روش های مورد استفاده جهانی شدن نابرابری درآمد را افزایش می دهد (Atif et al, 2012).

ناجی میدانی در مطالعه ای در کشور ایران سال های ۱۳۴۹ تا ۱۳۷۹ استدلال می کند که جهانی شدن به نابرابری درآمد و تشدید توزیع نابرابر درآمد در ایران منجر شده است (ناجی میدانی، ۱۳۸۲).

نتایج تحقیق گلخندان و همکارانش در مطالعه ای با عنوان آیا جهانی شدن منجر به نابرابری درآمد می شود نشان دهنده رابطه علیت از سمت جهانی شدن و ابعاد آن یعنی جهانی شدن اقتصادی اجتماعی و سیاسی به نابرابری درآمد است. بنابراین رشد جهانی شدن با وجود ساختار فعلی اقتصاد ایران باعث افزایش نابرابری شده و وضعیت توزیع درآمد را بحرانی تر خواهد کرد (گلخندان، گلخندان، و خوانساری، ۱۳۹۳).

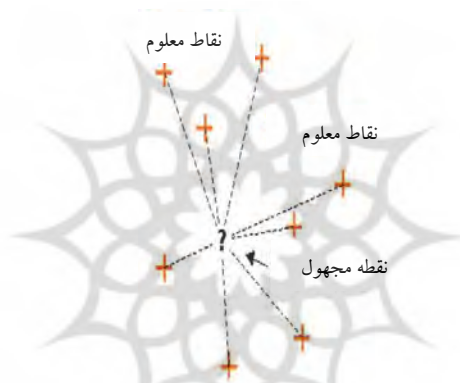
یافته های اصغرپور و همکارانش در بررسی تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس سازمان اسلامی، نشان می دهد توزیع درآمد با افزایش درآمد سرانه واقعی بهبود یافته و با گسترش جهانی شدن نامتعادل تر می گردد (اصغرپور، سلمانی، و فرید، ۱۳۹۳).

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کمی بوده و با استفاده از پرسشنامه تدوین شده، وضعیت درآمدی و کیفیت تغذیه شهروندان برای بررسی سطح کمی و کیفی نابرابری در شهر اراک محاسبه می‌شود. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شد. جمعیت شهر اراک رودکی براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، تن می‌باشد که حجم نمونه معادل ۳۸۴ تن محاسبه شد. برای رسیدن به اشباع نظری و توزیع نرمال تر ۴۱۲ نمونه ملاک عمل قرار گرفت.

پرسشنامه براساس پوشش مکانی تمام شهر توزیع گردید. اطلاعات جمع آوری شده از طریق سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابتدا اطلاعات پرسشنامه براساس مکان در نقاط معلوم تکمیل شد و پس از آن برای تهیه نقشه به سبب وجود نقاط مجهول در محله از ابزار درون یابی در GIS استفاده شد.

به این منظور از روش واحد همسایگی طبیعی^۱ را برای تهیه نقشه‌های خرده ابعاد و از روش IDW را برای تهیه نقشه ظرفیت اجتماعی استفاده شد. این روش شبیه مدل IDW است و از میانگین وزن دار در درون یابی استفاده می‌کند. تفاوتش با مدل IDW در این است که بین نقاط، مثلث‌های هم ارزش می‌سازد و براساس درصد مساحت اشغال شده بوسیله هر مثلث، وزن دهی می‌کند. روش واحد همسایگی طبیعی، از نوع روش‌های درون یابی محلی است. این روش از الگوریتم همسایگی یا مجاورت استفاده کرده و ارزش نقاط مجهول را بدین روش محاسبه می‌کند. مهمترین ویژگی این مدل، کاربرد آن برای مناطق ناهماهنگ است و از دیگر خصوصیات آن سادگی در اجرا و عدم استفاده از شعاع جستجو یا تعیین تعداد نقاط همسایه می‌باشد.

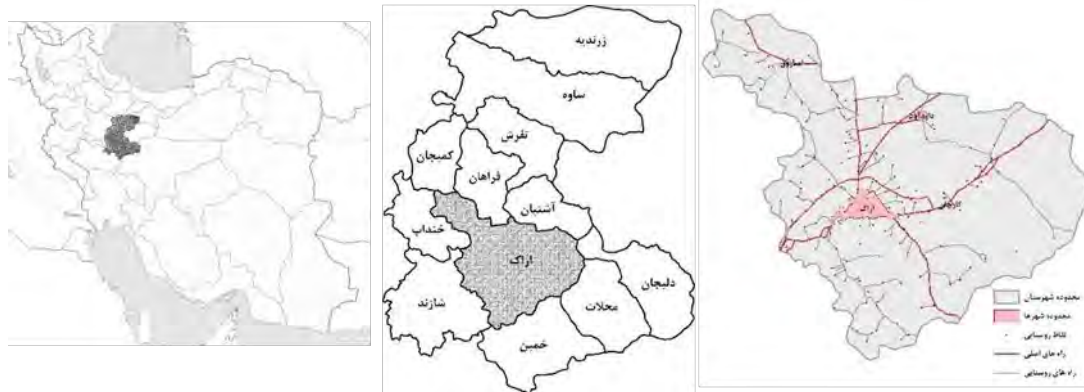


شکل ۲: موقعیت استفاده از ابزار درون‌یابی GIS با روش واحد همسایگی طبیعی

۵- موقعیت کلانشهر اراک

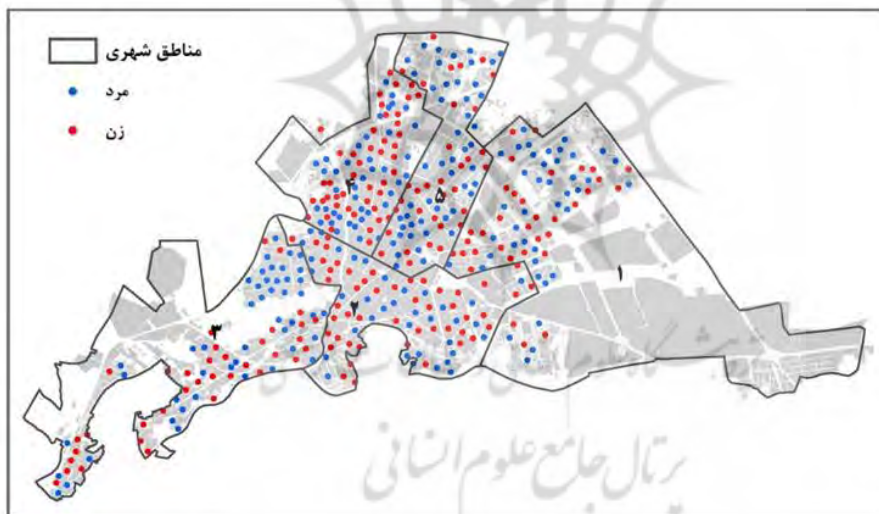
شهر اراک از لحاظ مختصات جغرافیایی در عرض شمالی ۳۴ درجه و ۵ دقیقه و طول شرقی ۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه با میانگین ارتفاعی ۱۷۵۵ متر از سطح دریا واقع گردیده است. این شهر، مرکز شهرستان اراک و مرکز استان مرکزی می‌باشد.

^۱ - Neighbor Natural



شکل ۳- موقعیت استان مرکزی در ایران (سمت چپ)، شهرستان اراک در استان مرکزی (میانه) و شهر اراک در شهرستان اراک (سمت راست)

جمعیت شهر اراک که به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است طبق آخرین سرشماری (۱۳۹۵) برابر با ۵۲۰۹۴۴ می باشد. در این پژوهش در برخی شاخص ها مراجعه به اسناد و آمارهای طبقه بندی شده صورت می گیرد و در برخی دیگر نیازمند پیمایش است. بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت شهر تعداد نمونه ۳۸۴ با سطح خطای ۵ درصد استخراج شده است که مبنای تحلیل قرار خواهد گرفت. در این پژوهش به سبب نیاز به نمونه های بیشتر جهت رسیدن به توزیع نرمال تر در محاسبات از ۴۱۲ نمونه (۲۱۵ مرد و ۱۹۷ زن) استفاده شد. این تعداد نمونه به تناسب جمعیت هر منطقه توزیع گردید. از نرم افزار GIS به منظور توزیع پراکنده نمونه ها در سطح مناطق استفاده گردید. در ادامه نقشه پراکنده نمونه ها در سطح شهر ارائه می شود.



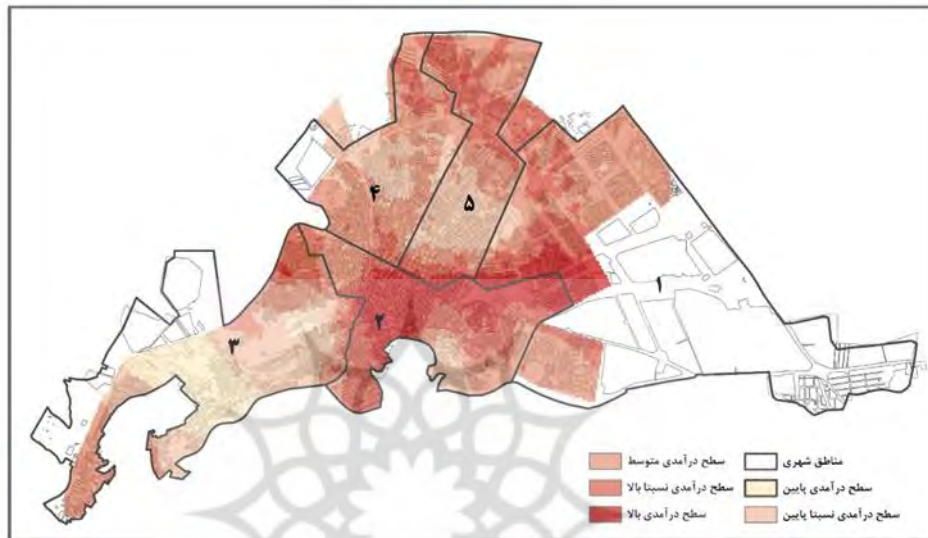
شکل ۴- پراکنده نمونه های مورد تحقیق در سطح مناطق کلانشهر اراک به تفکیک جنسیت

۵-۱- برابری درآمدی

به سبب نبود اطلاعات دقیق در خصوص وضعیت درآمدی در سطح شهر، با پرسش از نمونه ها مشخص گردید که تقریباً ۶۰ درصد نمونه ها در سطح درآمدی ۱,۵ تا ۳ میلیون تومان می باشند. در این میان تنها ۱۲ درصد از نمونه ها درآمدی بیش از ۳ میلیون کسب می کنند. این وضعیت در منطقه ۳ تشدید می شود که علت اصلی آن را می توان در اضافه شدن دو روستای سنجان و کرهرود به منطقه ۳ (پایین تر بودن سطوح درآمدی روستا نسبت به شهر) و نیز بالا بودن درصد بافت های فرسوده و ناکارآمد شهر (تراکم افراد با سطح درآمدی پایین) در این منطقه دانست.

جدول ۱- وضعیت درآمدی خانوار در کلانشهر اراک به تفکیک مناطق شهری

کل شهر	۵	۴	۳	۲	۱	عنوان
۲۹	۴	۳	۱۷	۲	۳	زیر ۸۰۰ هزار تومان
۸۵	۲۳	۲۲	۲۰	۱۳	۷	۸۰۰۰۰۰ تا ۱,۵ میلیون
۱۳۶	۳۱	۳۴	۲۰	۲۲	۲۹	یک میلیون و پانصد تا ۲ میلیون
۱۱۲	۱۵	۲۰	۲۰	۳۱	۲۶	۲ تا ۳ میلیون تومان
۴۰	۷	۷	۶	۱۲	۸	۳ تا ۴,۵ میلیون تومان
۱۰	۲	-	-	۶	۲	بالای ۴,۵ میلیون تومان



شکل ۱- وضعیت سطح درآمدی خانوار در مناطق مختلف کلانشهر اراک

جدول ۲- امتیاز برابری درآمدی در مناطق مختلف کلانشهر اراک

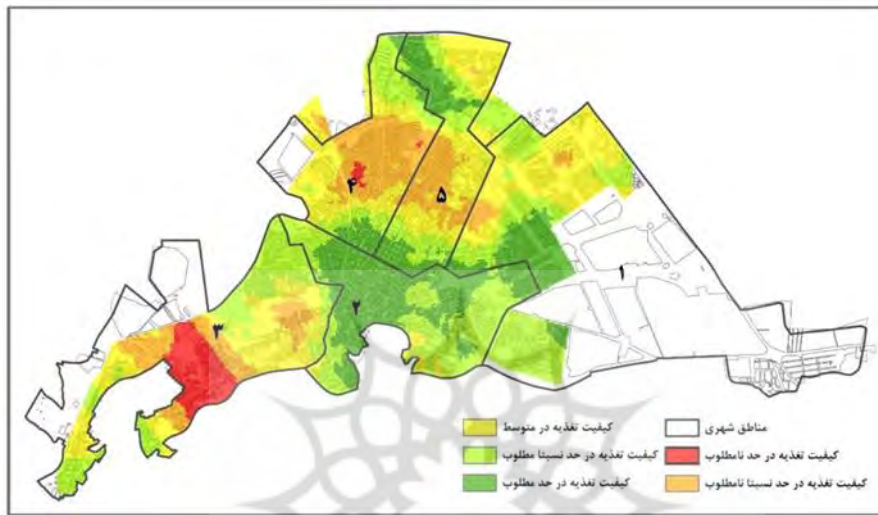
منطقه	میانگین امتیاز (۶-۱)	میانگین درآمدی هزار ریال	میانگین امتیاز (۱۰۰-۰)
۱	۳,۴۷	۲۴۷۰۰	۴۹,۴
۲	۳,۶۵	۲۶۵۰۰	۵۳
۳	۲,۷۳	۱۶۸۰۰	۳۴,۶
۴	۳,۰۷	۲۰۷۰۰	۴۱,۴
۵	۳,۰۵	۲۰۵۰۰	۴۱
کل شهر	۳,۱۹	۲۲۰۰۰	۴۳,۸

۵-۲- کیفیت تغذیه

کیفیت تغذیه از شاخص‌های مهمی کیفیت زندگی است و به طور مستقیم متاثر از سطح درآمدی افراد می‌باشد و در این تحقیق در قالب میزان مصرف لبنیات، پروتئین و سبزیجات مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین پاسخ نمونه‌ها به این سه سوال در بازه یک تا پنج برابر ۱,۹۶ تا ۴,۶۵ بوده که نشان از شکاف طبقاتی اجتماعی مورد سنجش دارد. به طور کلی امتیاز این شاخص در کل شهر برابر ۶۹ از ۱۰۰ بوده که در منطقه ۲ و ۳ به ترتیب با میانگین امتیاز ۷۸,۸ و ۶۲,۴ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین امتیاز را در بین مناطق دارند.

جدول ۳- امتیاز گوپه های سنجش کیفیت تغذیه در کلانشهر اراک

گوپه	در یک ماه گذشته استفاده نکرده ام	ماهی دو وعده	هفته ای یک وعده	هفته ای سه وعده	هفته ای سه هفته و بیشتر	میانگین امتیاز (۵-۱)
مصرف گوشت و پروتئین	۲۴	۸۱	۱۴۵	۱۱۶	۴۶	۳,۱۹
مصرف لبنیات	۶	۳۱	۷۶	۱۴۹	۱۵۰	۳,۹۹
مصرف میوه و سبزیجات	۱۰	۲۹	۵۵	۱۴۵	۱۷۳	۴,۰۷



شکل ۶- وضعیت کیفیت تغذیه خانوار در مناطق مختلف کلانشهر اراک

جدول ۴- امتیاز کیفیت تغذیه در مناطق مختلف کلانشهر اراک

منطقه	میانگین امتیاز (۲۵-۵)	میانگین امتیاز (۱۰۰-۰)
۱	۱۱,۷۲	۷۲,۶۷
۲	۱۲,۴۵	۷۸,۷۸
۳	۱۰,۴۸	۶۲,۳۵
۴	۱۰,۵۵	۶۲,۸۹
۵	۱۱,۰۷	۶۷,۲۸
کل شهر	۱۱,۲۵	۶۸,۷۵

۶- تحلیل یافته‌ها

به استناد مطالعات انجام شده در شهر اراک در حوزه اقتصادی، شکل گیری صنایع از دهه ۵۰ به بعد در شهر اراک و افزایش شمار کارگران صنعتی موجبات بالا رفتن سهم بخش صنعت^۱ (به ویژه صنایع سنگین و نه کارگاهی) در مقایسه با سایرین در اقتصاد این شهر شده است. از اواخر دهه ۸۰ و نیز دهه ۹۰ با ایجاد مشکلات عدیده ای در اقتصاد کشور از جمله بخش صنعت در شهرهای میانی و بزرگ، تعداد بسیاری از کارخانه های شهر اراک نیز رو به تعطیلی و یا ورشکستگی رفتند و بخش عظیمی از نیروی کار را با مشکلات عدیده ای روبرو ساخت. به عبارتی دیگر واگذاری صنایع به بخش خصوصی بدون ایجاد ساختار نظارتی و قانونی مورد

۱- سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی استان در استان مرکزی به ۳۷/۵ درصد می رسد (سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی، ۱۳۹۴).

نیاز، بیشترین ضربه را به بخش صنعت در این شهر وارد نمود و موجب تعطیلی و یا بی رونقی صنایع متعددی از این شهر شد که زمانی در مقیاس ملی از آنها یاد می شد. این عامل در کنار مناسب نبودن تنوع^۱ و مقیاس^۲ فعالیت های اقتصادی در اراک می تواند یکی از مهمترین عوامل افزایش بیکاری در سال های اخیر باشد. شکل گیری صنایع در این شهر و مهاجرت از شهرهای کوچک و روستاها برای کسب فرصت های شغلی به ویژه در بخش صنعت در دهه های گذشته یکی از عوامل اصلی بالا بودن جمعیت کارگری این شهر است. از این رو بیکاری شمار زیادی از شاغلان بخش صنایع که بیشتر در سطوح پایین درآمدی محسوب می شدند؛ نابرابری درآمدی را افزایش داد.

بررسی های میدانی انجام شده نشان می دهد که میانگین درآمد در شهر اراک کمتر از ۲/۵ میلیون تومان بوده و در مجموع سطح درآمدی پایینی است. همانطور که گفته شد؛ این وضعیت در منطقه ۳ تشدید می شود. الحاق دو روستای سنجان و کرهرود به این منطقه و نیز بالا بودن درصد بافت های فرسوده و ناکارآمد شهر در این منطقه می تواند علت اصلی این نتیجه باشد. از سویی دیگر کیفیت تغذیه در مناطق ۳ و ۴ از میانگین شهر پایین تر می باشد. بررسی وضعیت رضایت از زندگی بیانگر پایین بودن میانگین رضایت از زندگی در سطح شهر تا کمتر از میانه است و آن را در سطح نسبتاً پایینی قرار می دهد. در این شاخص نیز منطقه ۳ در وضعیت نامطلوب تری قرار دارد. با نتایج بدست آمده از ماتریس همبستگی می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ بین میانگین درآمدی، میانگین هزینه، رضایت از زندگی و کیفیت تغذیه رابطه وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سطح درآمد، میانگین هزینه، کیفیت تغذیه و رضایت از زندگی نیز افزایش می یابد.

جدول ۵- ماتریس همبستگی بین میانگین درآمدی، میانگین هزینه، رضایت از زندگی و کیفیت تغذیه

همبستگی اسپیرمن		کیفیت تغذیه	رضایت از زندگی	میانگین هزینه	میانگین درآمدی
کیفیت تغذیه	Correlation Coefficient	۱,۰۰۰	۰,۳۷۴**	۰,۴۷۶**	۰,۶۱۸**
	Sig. (2-tailed)	.	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
رضایت از زندگی	Correlation Coefficient	۰,۳۷۴**	۱,۰۰۰	۰,۲۹۳**	۰,۴۳۷**
	Sig. (2-tailed)	۰,۰۰۰	.	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
میانگین هزینه	Correlation Coefficient	۰,۴۷۶**	۰,۲۹۳**	۱,۰۰۰	۰,۷۰۰**
	Sig. (2-tailed)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	.	۰,۰۰۰
میانگین درآمدی	Correlation Coefficient	۰,۶۱۸**	۰,۴۳۷**	۰,۷۰۰**	۱,۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	.

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

از سویی دیگر نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی کرامر (خی دو) نشان می دهد که با افزایش سطح تحصیلات، سطح درآمدی، سطح هزینه ها، مالکیت خودرو و نیز رضایت از زندگی افزایش می یابد. حال آنکه افزایش تحصیلات، کیفیت تغذیه و مالکیت مسکن را افزایش نمی دهد که می تواند بیانگر این باشد که افراد با تحصیلات بالاتر هزینه خود را در بخش های دیگری به جز تغذیه (خرید خودرو) متمرکز ساخته اند.

جدول ۶- ماتریس همبستگی بین سطح درآمدی، رضایت از زندگی و کیفیت تغذیه

- ۱- بر طبق حساب تولید استانی سال ۱۳۹۳ (آخرین آمار موجود)، سهم فعالیت های بخش های "کشاورزی، شیلات و جنگلداری"، "صنعت و معدن" و "خدمات" از ارزش افزوده کل استان به ترتیب ۱۴، ۴۵/۶۲ و ۴۰/۳۹ درصد است. بررسی زیربخش ها نشان می دهد که بخش عمده ای از ارزش افزوده، متعلق به چند بخش اصلی همانند عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها و اداره امور عمومی و خدمات شهری است و بسیاری از فعالیت های دارای اهمیت، سهم متناسبی در اقتصاد استان ندارد (مرکز آمار ایران، حساب تولید، سال ۱۳۹۳).
- ۲- مقایسه جایگاه استان مرکزی در مقایسه با سه استان دارای جایگاه برتر (تهران، اصفهان و خراسان)، از متغیرهای کارگاه های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر کشور در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۹۲ نشان دهنده تنزل رتبه این استان از ۶ به ۱۰ در بین استان های کشور است (سرشماری عمومی کارگاه های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر، ۱۳۷۹ و ۱۳۹۲).

همبستگی کرامر		Value	Approx. Sig.
رضایت از زندگی	Phi	.۷۶۴	.۰۰۰
	Cramer's V	.۲۸۹	.۰۰۰
میانگین درآمدی	Phi	.۴۰۲	.۰۰۱
	Cramer's V	.۱۸۰	.۰۰۱
میانگین هزینه	Phi	.۴۱۴	.۰۰۰
	Cramer's V	.۱۸۵	.۰۰۰
کیفیت تغذیه	Phi	.۴۵۶	.۴۲۶
	Cramer's V	.۱۷۲	.۴۲۶
مالکیت خودرو	Phi	.۳۸۶	.۴
	Cramer's V	.۱۷۳	.۴
مالکیت مسکن	Phi	.۲۴۱	.۲۹۴
	Cramer's V	.۱۳۹	.۲۹۴

نتیجه گیری

برخی مطالعات بیانگر آن است که ایران در حال حاضر در فرایند جهانی شدن قرار گرفته و فرصت ها و تهدیدهایی را از این رو تجربه می کند. حال آن که برخی دیگر بر این باورند که جهانی شدن برای ایران اتفاق نیافتاده است و ایران بیشتر تحت تاثیر آزادسازی قرار گرفته است. در این میان اگر نظریه فالک را بپذیریم و ایران را در می توان زمره جوامعی دانست که به سبب عدم برخورداری از برخی مزایا در فرایند جهانی شدن، وضعیت نسبی آن در حال بدتر شدن است. از این رو سیاست های اتخاذ شده در جهت آزادسازی در ایران در کنار عقب ماندن از فرایند جهانی شدن به سبب نبود شرایط و الزامات مورد نیاز، می تواند توجیه وضعیت اقتصادی و اجتماعی کنونی شهرهای ایران باشد.

آزادسازی بازار و خصوصی سازی موسسات دولتی بخشی از اصلاحات اقتصادی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دنبال آن هستند تا از طریق مشارکت و مالکیت بیشتر بخش خصوصی به کارایی فعالیت های اقتصادی دست یابند و انتظار می رود تا با ایجاد رقابت و کارایی به سطح بالاتر رشد اقتصادی دست یابند. در اینجا تاثیر و تاثیر این تغییرات با دیگر عوامل اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی از قبیل مرحله رشد اقتصادی، روند تولید ناخالص داخلی، بیکاری، نرخ تورم، رشد جمعیت و پیشرفت های تکنولوژیکی را نمی توان نادیده گرفت. آزاد سازی یک امر مقطعی و یکباره نیست. درجه آمادگی برای اجرای سیاست های آزادسازی بسته به شرایط اقتصاد کلان، ساختار بازار و میزان رقابت در کشورهای مختلف متفاوت است. در فراگرد آزادسازی، برخورداری از ساختار قانونی و نظارتی مناسب به منظور اطمینان از رقابت سالم و ایفای تعهدات، شرطی لازم است.

در خصوص شهر اراک به سبب عدم برخورداری از ساختار قانونی و نظارتی مناسب، سیاست های اتخاذ شده برای آزادسازی و به ویژه خصوصی سازی صنایع تا حدود زیادی با شکست روبرو شده است. این عامل در جهت کاهش نرخ اشتغال بسیار موثر بوده است. افزایش نرخ بیکاری، اعتراضات خیابانی، کاهش سطح درآمدی و هزینه ای خانوار منجر به کاهش رضایت از زندگی در شهر اراک به کمتر از ۵۰ درصد شده است. البته دیگر عوامل اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی نیز نباید نادیده گرفته شوند.

به طور کلی باید خاطر نشان کرد که فرایند جهانی شدن و تاثیر آن بر فاکتورهای مختلفی چون نابرابری درآمدی، فقر و ... مستلزم وجود آمارهای طولی است که متأسفانه در ایران و به ویژه اراک فقدان آن به شدت احساس می شود. از این رو نمی توان گفت افزایش نابرابری درآمدی کنونی شهر اراک متأثر از فرایند جهانی شدن است یا نه.

منابع

۱. ارضوم چیلر، ن. (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. اسکات، آ. (۱۳۸۴). شهر-منطقه های جهانی. ترجمه: پانته آ لطفی کاظمی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۳. اصغرپور، ح.، سلمانی، ب.، فرید، ص. (۱۳۹۳). تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس سازمان اسلامی. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۶، ۱۲۳-۱۴۰.
۴. آق ارکاکلی، آ.، یحیی زاده فر، م.، نوبخت، م. (۱۳۹۵). مطالعه توسعه مالی بین الملل و نقش آن بر جهانی شدن اقتصاد در کشور ایران با استفاده از داده های تابلویی. فصلنامه علم پیژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره بیست و دوم، ۳۷-۵۶.
۵. اکبری، غ (۱۳۸۰). وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص های توسعه اجتماعی. مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی (۲۹-۵۰) تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. البرو، م. (۱۳۸۱). عصر جهانی، جامعه‌شناسی پدیده جهانی شدن. ترجمه: نادر سالار زاده احمدی، تهران: نشر آزاد اندیشان.
۷. پوراحمد، ا.، قرخلو، م.، موسوی، س. (۱۳۹۰). بررسی مفاهیم و شاخص های نظریه شهر جهانی. باغ نظر، شماره شانزده، سال هشتم، ۲۹-۴۲.
۸. جابری خسروشاهی، ن.، محمدوند ناهیدی، م.، نوروزی، د. (۱۳۹۱). تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ششم، ۲۰۸-۱۷۳.
۹. حسن زاده، ع.، فوز مسلمیان، م. (۱۳۸۹). ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه. پژوهشنامه اقتصادی، سال دوازدهم، شماره اول، ۲۵۴-۲۲۳.
۱۰. خالصی، گ.، پیرایی، خ. (۱۳۹۵). رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی بین استان های ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) - سال شانزدهم - شماره دوم، ۱۷۱-۱۵۵.
۱۱. خلیج، س.، و یوسفی، ع (۱۳۹۳). پهنه بندی توزیع و شدت فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران. برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره هجدهم، شماره ۴، ۴۹-۷۰.
۱۲. رضانی قوام آبادی، م.، و شفیق فرد، ح (۱۳۹۵). توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم انداز. فصلنامه سیاست جهانی، ۲۶۷-۲۹۹.
۱۳. زنوز بهروز، ه. (۱۳۸۴). فقر و نابرابری درآمد در ایران. رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۷، ۳۰۴-۲۳۵.
۱۴. شریف آزاده، م.، و انتظار، ا (۱۳۹۰). محاسبه شاخص شدت فقر SST در ایران ۱۳۶۳-۸۶. فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۲، ۱۰۷-۱۲۹.
۱۵. ضرابی، ا.، مغانی رحیمی، ب. (۱۳۸۶). تاثیر جهانی شدن بر عدالت اجتماعی با تاکید بر عدالت فضایی. سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۱-۲۳۲، ۱۱۳-۱۰۶.
۱۶. فطرس، م.، و قدسی، س (۱۳۹۳). روش ال‌کایر و فوستر برای اندازه گیری فقر چندبعدی. مجله اقتصادی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، ۷۷-۹۲.
۱۷. گل خندان، ا. (۱۳۹۵). جهانی شدن و اندازه دولت در ایران: با معرفی شاخص جدید جهانی شدن KOF. مجله اقتصادی، شماره های ۱۱ و ۱۲، ۳۸-۵.
۱۸. گلخندان، ا.، گلخندان، د.، خوانساری، م. (۱۳۹۳). آیا جهانی شدن منجر به نابرابری درآمد می شود، مطالعه موردی اقتصاد ایران با معرفی شاخص جدید و جامع جهانی شدن KOF. فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی ۱۴، ۱۳۰-۹۹.
۱۹. مصطفوی بن س.، غریبی بس.، سابوته بس. (1393). به سوی حمل‌ونقل پایدار شهری. دومین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری (p. 16). همدان: دانشگاه شهید مفتح.
۲۰. مومنی، ف (۱۳۸۰). نسبت توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی. مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی (pp. 28-13). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۱. ناجی میدانی، ع. (۱۳۸۲). آثار جهانی شدن بر رشد اشتغال و توزیع درآمد در ایران. تهران: رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. یانگ، گ. (۱۳۹۲). شکل‌دهی جدید برنامه‌ریزی از طریق فرهنگ. ترجمه: عین‌الله کشاورز، تهران: تیسرا.
23. Atif, S., Srivastav, M., Sauytbekova, M., & Arachchige, U. (2012). *Globalization and Income Inequality: A Panel Data Analysis of 68 Countries*. Sydney, Australia: University of Sydney.
24. Bergh, A., & Nilsson, T. (2010). Do liberalization and globalization increase income inequality? *European Journal of Political Economy*, vol. 26, issue 4, 488-505
25. BOURGUIGNON, F., & CHAKRAVARTY, S. R. (2003). The measurement of multidimensional poverty. *Journal of Economic Inequality*, 25-49.
26. David, M. (2011). *Globalization and income inequality in Brazil*. Aarhus School of Business, Aarhus University: Master of Science in International Business.
27. Fainstein, S. (2001). Inequality in Global City-Regions. *The Planning Review*, 37:144, 20-25
28. Hanson, G. (2005). *Globalization, Labor Income, and Poverty in Mexico*. Massachusetts: National Bureau of Economic Research.
29. Lee, K.-K. (2-14). Globalization, income inequality and poverty: Theory and empirics. *social systems study* 28, 109-134
30. Nissanke, M., & Thorbecke, E. (2010). Comparative Analysis of the Globalization-Poverty Nexus in Africa, Asia and Latin America. In M. Nissanke, & E. Thorbecke, *The Poor under Globalization in Asia, Latin America, and Africa*. Oxford: Oxford University Press.
31. Rahim, H., Abidin, Z., Ping, S., Alias, M., & Muhammad, A. (2014). Globalization and its effect on world poverty and inequality. *Global journal of management and business* 1(2), 9-13
32. Salvatore, D. (2012). Growth, Poverty and Governance in the Age of Globalization. *International Conference on Institutions, Society and Markets: Towards a New International Balance*, (p.p 1-23). Milan: Catholic University.
33. United Nations. (2006). *Social Justice in an Open World*. New York: United Nations.
34. United Nations. (2015). *The Millennium Development Goals Report 2015*. New York: United Nations.
35. Vandemoortele, J. (2002). *Are we really reducing global poverty?* New York: United Nations Development Programme, Bureau for Development Policy.
36. worldbank. (2016, october 02). worldbank. Retrieved november 21, 2016, from poverty/overview: <http://www.worldbank.org>